


Convergence of religions; Analyzing views and completing the basics

Mohamad javad Daniali¹  | Ali Movahedian attar²  | Fathoallah Najarzagdegan³ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor the Department of Islamic Education, Faculty of Theology and Islamic Teaching, University of Semnan, Semnan, Iran. E-mail: mjdaniali@semnan.ac.ir
2. Assistant Professor, Researcher of Qom Seminary, Iran. E-mail: dr.movahedian@ut.ac.ir
3. Assistant Professor, University of Tehran, Iran. E-mail: najarzagdegan@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	<p>Many efforts have been made to bring about interfaith convergence, including strategic efforts, such as measures to unite against a common enemy; All these different ways, each of which is presented with different motives and principles, have one thing in common; It is to portray an axis or axes as the common face of the beliefs, convictions or moral principles of the audience of a theory and to invite everyone to gather around these axes. Strategic approaches that focus more on social behaviors and emotions, by highlighting the core doctrines shared between religions, ontological and epistemological approaches by developing in the ultimate concepts of religions and uniting them, and ethical approaches by presenting common interfaith moral principles. The axis of unity and convergence revolves around it. In all of these approaches, however, finding common ground in one aspect of each religion is seen as the solution to the problem of multiple religions and beliefs. While on the one hand finding a common denominator and attributable to all religions is the main problem of these theories, and on the other hand the phenomenon of atheism, which includes a large number, has been neglected in these theories and is completely outside the scope of convergence theories. This is because it is difficult to find a common ground in their belief with religions. In this article, while reviewing the types of these theories and their general critique, in the end, the basis of "submission to the truth" or strengthening the spirit of "central right" is introduced as the most basic axis of value convergence. This foundation, contrary to all existing foundations, does not need to find common ground between religions and has included atheism as one of the most numerous religions in the world.</p>
Article history: Received: 12 October 2022 Received in revised form: 16 November 2022 Accepted: 29 November 2022 Published online: 4 December 2022	
Keywords: religious convergence; Convergence theories; Commonalities of religions; Surrender to the truth	
Cite this article: Daniali, M, Movahedian attar, A, & Najarzagdegan, F (2022). Convergence of religions; Analyzing views and completing the basics . <i>Studies in Comparative Religion and Mysticism</i> , 6 (2), 245-263 DOI:10.22111/jrm.2023.44760.1109	
 © The Author(s). DOI: 10.22111/jrm.2023.44760.1109	

همگرایی دینی؛ تحلیل دیدگاه‌ها و تکمیل مبانی

محمدجواد دانیالی^۱ | علی موحدیان عطار^۲ | فتح الله نجارزادگان^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: mjdaniali@semnan.ac.ir
۲. استادیار، حوزه علمیه قم، قم، ایران. رایانامه: dr.movahedian@ut.ac.ir
۳. استادیار، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: najarzadegan@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	تلاش‌های بسیاری برای ایجاد همگرایی میان ادیان صورت گرفته است از جمله تلاش‌های استراتژیک، مانند تدابیری برای اتحاد در مقابل دشمن مشترک، تلاش‌های وجودشناسانه و معرفت‌شناسانه مانند نظریات پلورالیستی و تلاش‌هایی اخلاق محور همچون بیانیه‌های اخلاق جهانی. تمام این راه‌های مختلف که هر یک با انگیزه‌ها و مبانی متفاوت از دیگری ارائه شده‌اند، در یک مطلب مشترک‌اند؛ آن عبارت است از به تصویر کشیدن محور یا محورهایی به عنوان وجه مشترک باورها، اعتقادات و یا اصول اخلاقی مخاطبان یک نظریه و دعوت همگان به گردآمدن حول این محورها. رویکردهای استراتژیک که بیشتر در حوزه رفتارها و عواطف اجتماعی متمرکزند، با برجسته‌سازی آموزه‌های اصلی مشترک میان ادیان و مذاهب، رویکردهای وجودشناسانه و معرفت‌شناسانه با توسعه در مفاهیم غایی ادیان و اتحادبخشی به آنها و رویکردهای اخلاقی با ارائه اصول مشترک اخلاقی میان ادیان، به تأسیس این محور اتحاد و همگرایی حول آن اقدام می‌کنند. به هر حال در تمام این رویکردها، یافتن وجه مشترک در جنبه‌ای از هر دین راه حل مشکل تعدد ادیان و عقاید دانسته شده است. درحالی که از یک طرف یافتن وجه مشترکی معقول و قابل انتساب به تمام ادیان، مشکل اصلی این نظریات است و از طرف دیگر پدیده بی‌دینی در این نظریه‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. در این مقاله با روش توصیفی بخش عمده‌ای از تلاش‌ها برای همگرایی ادیان بررسی و سپس به تحلیل خلا موجود در آنها پرداخته شده است. در نتیجه مبنای «تسلیم بودن در برابر حقیقت» یا تقویت روحیه «حق محوری» به عنوان ابتدایی‌ترین محور همگرایی ارزشی معرفی شده است. یافته این پژوهش این است که نتیجه حاصل در این مقاله برخلاف تمام مبانی موجود، بی‌نیاز از یافتن وجه مشترک میان ادیان است و بی‌دینی را نیز همچون دینی پر تعداد در جهان در ذیل شمول خود جای داده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۰	
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۸/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۱۳	
واژه‌های کلیدی: همگرایی دینی، نظریات همگرایی، اشتراک ادیان، حق محوری	

استناد: دانیالی، محمدجواد؛ موحدیان عطار، علی؛ و نجارزادگان، فتح الله (۱۴۰۱). همگرایی دینی؛ تحلیل دیدگاه‌ها و تکمیل مبانی. *مطالعات ادیان و عرفان*

DOI: 10.22111/jrm.2023.44760.1109

تطبیقی، ۶ (۲)، ۲۶۳-۲۴۵.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه^۱

آشنایی روز افزون ملت‌ها با یکدیگر در جهان معاصر زمینه‌رویارویی بیش‌ازپیش فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها و ادیان را به وجود آورده است. این مواجهه و رویارویی سؤال‌ها و ابهام‌های فراوانی را به وجود آورده یا سؤال‌های کم‌اهمیت و فرعی سابق را به پرسش‌هایی اصلی و حال حاضر، تبدیل کرده است. پرسش‌هایی از چیستی و چرایی گوناگونی گسترده‌ادیان در اصول و فروع، راه‌کار کاستن از آسیب‌های این گوناگونی و روش‌هایی برای ارائه‌محور جامعی برای اتحاد میان اقوام و ادیان مختلف. این پرسش‌ها در نگاه اندیشمندان به بستری فراخ برای خلق و پرورش نظریه‌ها و تفکرات جدید و بازخوانی تفکرات قدیمی در زمینه‌مقایسه تطبیقی ادیان و مذاهب و ارائه راه‌حل‌هایی در زمینه تقریب آنها تبدیل شده است.

جمعی از دیدگاه حقیقت‌شناسی، عده‌ای از منظر وظیفه‌شناسی سکولار یا دینی، برخی از منظر اخلاقی، عده‌ای از منظر نجات‌شناسی و بالاخره گروهی به عنوان یک استراتژی سیاسی و برای رفع مشکلات فعلی جامعه انسانی در پی ارائه راه‌حلی برای تکرر مسئله‌زای ادیان برآمده‌اند.

از اصطلاح «همگرایی دینی»^۲ آنقدر سخن گفته نشده است که مباحث منسجم و به نقد درآمده‌ای چه در حوزه اندیشمندان مسلمان و چه غیر آن ارائه شده باشد. گاه این اصطلاح به معنی همزیستی میان ادیان گرفته شده است (ن.ک: (حاجی‌اسماعیل، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱-۱۵۶)) و گاه بدون اشاره به این اصطلاح، مفهوم آن در نظریات ناظر به تکرر ادیان لحاظ شده است. این درحالی است که همگرایی مذهبی چه میان مذاهب اسلامی و چه فرق مسیحی مورد توجه بیشتر بوده است.^۳

مقصود از «همگرایی ادیان» در این نوشته، نه نزدیک‌سازی آموزه‌های ادیان رسمی جهان، بلکه نزدیک‌کردن فکری و عملی انسان‌ها با توجه به پیش‌زمینه‌های فکری مختلف آنها است. نکته قابل توجه در این تعریف اینکه این تعریف علاوه بر دربرداشتن متدینان تمام ادیان جهان، شامل جمع

^۱ . این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «نظریه اراده تسلیم در برابر حقیقت؛ مبنای قرآن برای همگرایی ادیان» است که در سال ۹۳ در پردیس فارابی دانشگاه تهران دفاع شده است.

^۲ . religious convergence

^۳ . در اسلام اصطلاح «تقریب مذاهب» و در مسیحیت «الهیات همگرایی» (Theology of Convergence) یا «همگرایی الهیاتی» (theological convergence) در حوزه بین مذاهب و فرقه‌های دینی مورد استعمال بوده است.

کشیری از بی‌دینان در جهان فعلی نیز می‌شود. این تعریف بار ارزشی ندارد و همگرایی در این تعریف صرفاً به معنی نزدیک‌سازی است و در پی ارائه روش‌ها و معیارهای ارزشی همگرایی نمی‌باشد. در ادامه مقاله در ارتباط با لزوم نگاه ارزش‌محور به بحث از «همگرایی ادیان» سخن گفته خواهد شد.

تحلیل انگیزه‌های همگرایی

انگیزه‌هایی که اندیشمندان را به ارائه نظراتی در زمینه همگرایی ادیان ترغیب کرده است، متفاوت‌اند. از میان آنها آنچه بیش از همه منجر به تلاش برای همگرایی ادیان شده است دغدغه‌های عمل‌گرایانه و در پی دستیابی به نتیجه‌ای ظاهری است. این نتیجه غالباً صلح و آرامش جهانی و کاستن از اختلافات و درگیری‌های خانمان براندازی است که بسیاری از آنها با بهانه دینی شعله‌ور می‌شوند. البته این دغدغه سطوح مختلفی دارد؛ گاه تنزل پیدا می‌کند و به ظاهری بر اغراض سیاسی تبدیل می‌شود و به کلی از مقصود اصلی خود دور می‌شود و گاه به سطح تلاش برای سعادت مجموع دنیا و آخرت بشریت ارتقا می‌یابد و متعالی‌تر از صلح و آرامش دنیایی تبیین می‌شود. در هر صورت این رویکرد به همگرایی، رویکردی نتیجه‌گرایانه و معطوف به محصول است.

این رویکرد را می‌توان در نظریات وحدت اخلاقی که با چشم‌پوشی از اختلافات بنیادین و بعضاً جدی در جهان‌بینی‌ها تنها بر برخی از مشترکات اخلاقی تمام ادیان تمرکز کرده‌اند، ملاحظه کرد. همچنین بسیاری از تلاش‌ها برای تقریب مذاهب اسلامی در مواردی که اعتقادی به نزدیکی واقعی وجود ندارد، یا تلاش‌ها برای همگرایی دینی به عنوان راهبرد و استراتژی دست‌یابی به اهداف مشترک با کنار گذاشتن اختلاف‌های بعضاً عمیق و بنیادین از این دست‌اند. (ن.ک: (تسخیری، ۱۳۸۴)؛ خامه گر، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۴)

انگیزه دیگری که نتایج متفاوتی از انگیزه پیشین دارد و کمتر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است، انگیزه کشف حقیقت است. این دغدغه بدون تمرکز بر حل مشکلات فعلی جهان، تلاش می‌کند محوری را بیابد که انسان‌ها با هر پیش‌فرضی از لحاظ عقلی یا دینی، ملزم به اعتقاد به آن یا عمل بر اساس آن باشند.

در این رویکرد عموماً همگرایی عملی به عنوان امری تبعی حاصل می‌شود؛ اما برخلاف رویکرد نتیجه‌گرایانه دستیابی به همگرایی، هدف اصلی رویکرد حقیقت‌گرایانه نیست؛ به این معنا که ممکن

است واقعیت هستی اقتضای تمایز و افتراق میان خوب از بد را داشته باشد. در این صورت انتظار همگرایی کلی در میان ادیان انتظار نابجایی است.

رویکرد حقیقت‌شناسانه را در تلاش پلورالیست‌های حقیقت و نیز پیروان حکمت جاودان می‌توان سراغ گرفت. پلورالیست‌ها محور توجه خود را واقعیت متعالی یا حقیقت عالم قرار داده‌اند و امثال سید حسین نصر نیز با طرح مفهوم امر قدسی آن را حقیقت الحقایق عالم معرفی می‌کنند و از این طریق در پی همگرایی میان ادیان‌اند. (ن.ک: (اصلان، ۱۳۸۵، ص.ص. ۱۶۵-۱۶۸))

نظریه‌های همگرایی

با توجه به انگیزه‌های مختلف تلاش در جهت همگرایی و نیز با توجه به ضرورت اجتناب ناپذیر تأثیر پیش‌فرض‌های اعتقادی و دینی اندیشمندان نظریات گوناگونی در همگرایی ادیان به وجود آمده است.

منظر درون دینی

اولین نظریات در باب همگرایی را می‌توان در تلاش‌هایی برآمده از منظر ادیان دید که در نتیجه ارتباط عالمان دینی با جهان متکثر ادیان دیگر و در جهت ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز مطرح شده است. اندیشمندان دینی ضمن اینکه ملتزم به آموزه‌های دین خودند، در پی دستیابی به زندگی مسالمت‌آمیز ابناء بشر نظریه‌های مختلفی برای نزدیک ساختن دینی بشر به یکدیگر ارائه کرده‌اند. این رویکرد به دلیل محدودیت در چارچوب‌های کلامی و فقهی ادیان توان توسعه چندانی نیافته است؛ اما به دلیل برآمدن از دل سنت دینی تأثیر بسیاری بر متدینان هر دین گذاشته است؛ مثلاً در اسلام بسیاری از اندیشمندان تلاش کرده‌اند ظرفیت‌های فقه را برای ایجاد فضایی بر مبنای پذیرش متقابل و صلح در جهان پرارتباط کنونی میان مسلمانان و دیگر ادیان، کشف و ارائه کنند. (برای نمونه ن.ک: (کریمی‌نیا، ۱۳۸۴)) البته این تلاش‌ها تا از مبادی رسمی عرضه دین مطرح نشود به کارآمدی لازم دست نخواهد یافت.

در مسیحیت تغییراتی در دیدگاه‌های اولیه ایشان مبنی بر انحصار نجات در کلیسا پدید آمده است و این تغییر موضع به سمت همگرایی بیشتر با دیگر ادیان به نحو بارزی در اعلامیه شورای دوم واتیکان نمود پیدا کرده است. (ن.ک: (PopePaulVI, 1965); (Aydin, 2002 pp. 26-28))

در نگاه درون دینی به همگرایی، اندیشه برخی مسلمانان معاصر قابل توجه است که با نگاهی برآمده از قرآن و محدود به اهل کتاب دغدغه خود از همگرایی را با عنوان همزیستی ایمانی و معنوی و رای همزیستی مسالمت‌آمیز مطرح کرده‌اند. محمود ایوب استاد سابق دانشگاه تمپل^۴ آمریکا معتقد است مسلمانان و اهل کتاب به ویژه مسیحیان نباید به همزیستی مسالمت‌آمیز با هدف زندگی با آرامش اکتفا کنند؛ بلکه آنچه از قرآن برمی‌آید اینست که مسلمانان و اهل کتاب می‌توانند در ارتقای معنویت و ایمان یکدیگر کمک‌رسان باشند و از ظرفیت دینی یکدیگر جهت نیل به هدف دینی نه تنها دنیایی مشترک استفاده کنند. وی این مدل از همگرایی را همزیستی ایمانی ادیان نامیده است. (ن.ک: ایوب، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۳-۱۳۹)

در حوزه‌ای وسیع‌تر از این، برخی دیگر ضمن اینکه دین و اسلام را حقیقتی واحد در تمام زمان‌ها از ابتدا تا کنون معرفی کرده‌اند و اختلافات موجود میان ادیان را اختلاف در شریعت می‌دانند. ایشان بر اساس اینکه هیچ امتی بی‌بهره از هدایت نیست، ادیان غیرمذکور در قرآن را نیز دارای سابقه الهی می‌دانند و دلیل عدم ذکر نام سنت‌های بزرگ شرقی در قرآن را بعد مکانی آنها از محل نزول وحی و بی‌نیازی اعراب از شنیدن اخبار آنها دانسته‌اند.

یکی از نمایندگان این رویکرد برآمده از نگاهی باز به قرآن، محمد الطیب، شیخ الازهر است. او با بیان این مبنا و ضمن اینکه معتقد است خود قرآن گوناگونی ادیان را به رسمیت شناخته است زمینه بسیار مناسبی برای نزدیک‌تر شدن مسلمانان به ادیان دیگر اعم از شرقی و غربی فراهم کرده است. او دین در نگاه اسلام را واحد و برخلاف آن شریعت را به اختلاف انسان‌ها، زمان آنها، مکان و موقعیت زندگی آنها متفاوت می‌داند. براین اساس دایره مؤمنان را به کل کسانی تعمیم می‌دهد که با وجود اختلاف شریعت، حقیقت دین را پذیرفته‌اند؛ یعنی مسلمانان، مسیحیان، یهودیان و دیگر ادیانی که دارای این حقیقت هستند همگی مومن‌اند اما با شریعت‌ها و رسولانی متفاوت از یکدیگر. او این ایمان مشترک را با وجود اختلاف در شرایع و رسولان، عامل محبت میان مؤمنان می‌داند و می‌گوید:

وحدت دین همانند صلۀ رحم عامل علقۀ دوستی است که میان تمام مؤمنان ارتباط برقرار می‌کند؛ هر جا و به هر شریعت و رسالتی که باشند. این واقعیت عالم اسلامی است که همه ادیان معروف را

⁴ . Temple University; Department of Religion

که در فضای غربی به آنها ادیان ابراهیمی یهودی و مسیحی و در فضای شرق به آنها «هندوسیه» و «بودیه» گفته می‌شود، دربرمی‌گیرد. (محمدالطیب، ۲۰۱۲، ص ۳۲)

چنین نگاه‌هایی که از یک طرف به آموزه‌های قرآنی و دینی مستند است^۵ و از طرف دیگر ناشی از شناخت هم‌دلانه‌ای از جهان متکثر ادیان است، در صورت تقویت نظری و گسترش عمومی این دیدگاه، تحولات عمیق و سازنده‌ای را در ارتباطات و تعامل جهان اسلام با دیگر ادیان ایجاد خواهد کرد. در پایان به نوع دیگری از این دست نظرات اشاره خواهد شد.

برخی نظریه‌پردازان مسیحی نیز با نگاه درون دینی به ارائه دیدگاه‌هایی در جهت همگرایی ادیان پرداخته‌اند. تروئلج^۶ از اندیشمندان مسیحی که در ابتدا به بسط مشروعیت مسیحیت به کل بشر تمایل داشت، در نوشته‌های اخیرش به طور چشم‌گیری با عطف توجه به نسبت فرهنگی و پیوند ادیان خاص با فرهنگ‌های معین و نیز نسبیّت شناخت، معتقد شده است که مسیحیت تنها برای مسیحیان حقیقت دارد و نه الزاماً برای همه مردم. وی این ادعا را با تأکید بر این‌که همه ادیان در ماوراء غیب یک هدف و در روح الوهی یک مبنای مشترک دارند، وضوح بیشتری می‌بخشد و به نوعی نظریه خود را به پلورالیسم نزدیک می‌کند. امثال این دیدگاه را می‌توان در نظریات توین‌بی و تاحدودی دیلتای نیز مشاهده کرد. (ن.ک: (گلین، ۱۳۸۰، ص ۵۹-۷۰)؛ (لگنهاوزن ۱۳۷۹، ص ۲۲-۲۵))

منظر برون دینی

در خارج از فضای دینی نیز تلاش‌هایی برای همگرایی میان ادیان انجام شده است. از این منظر بدون وابستگی به دین خاصی تلاش شده است راهکارهایی برای همگرایی میان ادیان ارائه شود.

^۵ برای توضیح بیشتر به عنوان نمونه ن.ک: تفاسیر ذیل آیه ۴۸ سوره مائده (لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا) و ۱۹ آل عمران (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)

^۶ Ernest Troeltsch

سازمان اتحاد ادیان (URI)^۷

در خارج از فضای دینی می‌توان به تلاش‌های سازمان «پیشگام اتحاد ادیان» در راستای اتحاد ظاهری و عملیاتی ادیان اشاره کرد. این سازمان در سال ۲۰۰۰ با همت ویلیام سوینگ^۸ یک کشیش در کالیفرنیا تأسیس شد. در منشور این سازمان آمده است:

سازمان پیشگام اتحاد ادیان یک اجتماع جهانی در حال رشد است که خود را وقف پیشبرد همکاری روزمره مداوم بین اعتقادات و ادیان مختلف، پایان دادن به خشونت‌های ناشی از اختلافات دینی و آفریدن فرهنگی کرده است که عدالت و شفای زمین و همه موجودات زنده آن را مدنظر دارد. (URI, 2014 p. 3)

سازمان پیشگام اتحاد ادیان ضمن اینکه تصریح می‌کند که به تفاوت‌های بین دین‌ها، بازگفت‌های روحانی و سنت‌های ویژه‌شان احترام می‌گذارد و اعضای خود را تشویق به ژرف‌کاوی هرچه بیشتر در سنت‌های خود می‌کند در معرفی خود می‌گوید:

متحد می‌شویم تا سرخوشی رستگاری و پرتوی فرزادگی را، در حرکت و سکون، گرمی بداریم و جشن بگیریم. متحد می‌شویم تا منابع برهم‌نهاد خود را تنها برای اقدامات صلح‌جویانه و سرشار از مهربانی به کار گیریم، تا بر درونی‌ترین و عمیق‌ترین حقیقت خود بیدار شویم و عشق و عدالت را در میان همه‌گونه زندگی روی زمین متجلی سازیم. (Ibid.p. 4)

هدف اصلی این سازمان، کاستن از تنازعات و خشونت‌های دینی است. مشکلی که این رویکرد با آن مواجه است، بی‌توجهی به مبنای معقولی برای دستیابی به هدف خود است. از طرفی این سازمان بر احترام به آموزه‌های تمام ادیان تأکید می‌کند و از طرف دیگر درباره آموزه‌هایی که به هر نحوی با رضایت و خوشی جمعی - آنگونه که این سازمان دم از آن می‌زند - ناسازگار است، سخنی نمی‌گوید. به عبارت دیگر با یک نگاه ظاهری هدف و روش این سازمان می‌تواند برای بسیاری از افرادی که از خشونت دینی بیزار شده‌اند جذاب و مسرت بخش است اما به همین حد اکتفا می‌کند و وارد لایه عمیق‌تر وجود این خشونت‌ها نمی‌شود و تلاش می‌کند در همان سطح بسط به نتیجه مطلوب دست یابد.

^۷.United Religions Initiative

^۸ . William Swing

صلح، دوستی، عشق و مهربانی نسبت به همهٔ انبای بشر زیبا و دوست‌داشتنی است. تأکید بر این مفاهیم نیز تاحدی بر لطافت روحیه و عمل انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و خشونت را در رفتار ایشان می‌زداید. اما این روشن است که دریافت هیچ حقی - یا دست کم برخی از حق‌ها - بدون جنبهٔ قاطعیت و سخت‌گیری ممکن نیست و این بدین معناست که اتخاذ رویکردی که به صلح و دوستی اکتفا می‌کند و جنبه‌های الزام‌آور را نادیده می‌گیرد رویکردی سطحی و غیر اصولی است. این با آموزه‌های هیچ یک از ادیان نیز سازگاری ندارد. به عبارت دیگر نگاهی سطحی و غیرمبنایی می‌تواند با ترویج مفاهیمی همچون صلح کلی و دوستی با همهٔ موجودات، تاحدی دل‌های آدمیان را به یکدیگر متوجه‌تر کرد اما بدون شک محدود ماندن در این سطح و ارائه نکردن مبنایی در پاسخ به نیاز عقل برای حل ناسازگاری‌های پشت سر این نگاه سطحی جز نتایج زودگذر و غیر قابل اعتماد، چیز دیگری نخواهد داشت. بنابراین هرچند در سطح خود باید مدافع چنین تلاش‌هایی باشیم اما هیچگاه انتظار نتیجه‌بخشی بلند مدت و عمیق از چنین اقدامات شعاری نمی‌توان داشت.

پلورالیسم

رویکرد مهم دیگر با نگاه حقیقت‌شناختی و فلسفی به جلوهٔ متشکست ادیان وارد شده است. این رویکرد، یعنی «پلورالیسم»، را می‌توان از موفق‌ترین تلاش‌ها برای همگرایی ادیان دانست. این نظریه که به دیدگاه‌های عرفانی و صوفیانه بازمی‌گردد هم به دلیل ماندگاری طولانی‌اش در بستر تاریخ ادیان مختلف، و هم به دلیل ارائهٔ تأییدهای درون‌دینی و نیز برون‌دینی بر برخی از مدعیات خود، نشان داده است با وجود مشکلات مختلفی که هم‌چنان دارد، توجه روشنفکران دینی را در ادیان جهان به خود جلب کرده است. جان هیک مدافع مشهور این نظریه در جهان معاصر است. او با استفاده از فلسفهٔ جدید، نظریات قدیمی عرفای مسلمان و عرفای دیگر ادیان را بازنمایی کرده است. وی در تبیینی واحد از تمام ادیان بزرگ، حقیقت جوهرین همهٔ آنها را به یک اصل بازمی‌گرداند و این‌گونه با نگاهی حقیقت‌شناختی منادی همگرایی ادیان می‌شود:

هریک از سنت‌های بزرگ دینی عالم تصدیق می‌کنند که علاوه بر جهان اجتماعی و طبیعی مرتبط با تجربهٔ عادی بشری ما، واقعیت (حقیقت) بزرگتر و بالاتر نامحدودی نیز در ورای وجود ما، یا درون آن، وجود دارد که متعالی‌ترین خیر و برکات ما در رابطه با آن حقیقت و یا «او» می‌باشد. حقیقت با ارزش غایی یکی بیش نیست و خود را آزاده و به طور کامل در خدمت آن یکتای مطلق

قرار دادن نجات، آزادی، تنویر، تکامل نهایی ما را به وجود می‌آورد. علاوه بر این، هر سنت دینی اشعار دارد که حقیقت الهی، ماورای دسترسی سخن و تفکر زمینی ما است و آن را نمی‌توان در چارچوب مفاهیم و تصورات بشری محصور ساخت و بلکه به صورتی نامحدود، ابدی، و دارای غنای بدون حد و حصر در ورای گستره تجربه یا پنداشت محدود و محصور ما قرار دارد. (هیگ، ۱۳۸۶، ص. ۷۹)

پلورالیست‌ها نظریه خود را از چند جنبه در چندین لایه ارائه می‌دهند؛ یکی از این لایه‌ها تبیین حقیقت غایی به گونه‌ای است که تمام غایات متعالی ادیان بزرگ را دربر می‌گیرد. ایشان تلاش می‌کنند گستره مفهومی‌ای ایجاد کنند که مفهوم خدا، یهوه و پدر آسمانی را که به صورت وجودی شخصی یا دارای تشخیص فردی ظاهر می‌شود با مفاهیم برهمن، تائو، دهرمه، نیروانا و شیویناتا که فاقد تشخیص فردی است، به طور کامل دربرگیرد و وجه اشتراکی نظری میان تمام ادیان بزرگ جهان کشف کند و بدین وسیله تمام آنها را تحت عنوان دین به معنی مسیرهایی به سمت نجات و سعادت جمع کند. (هیگ، ۱۳۸۶، ص. ۷۹-۸۲)

لایه دیگر از مباحث پلورالیست‌ها، کم‌اهمیت نشان دادن اختلاف‌های غیر قابل حل ادیان در حوزه‌های مختلف است. آنها خروج از خودمحوری به سمت حق‌محوری را اصلی‌ترین معیار سعادت و نجات معرفی می‌کنند و هر عاملی که در این جهت تأثیر چندانی نداشته باشد، بدان جایگاه رفیعی در رتبه‌بندی اهمیت خود قائل نیستند. جان هیگ در مقاله خود درباره ادعاهای متناقض حقانیت ادیان ضمن اشاره به پاسخ معروف بودا در سؤال راجع به برخی مباحث نظری متافیزیکی که دانستن جواب آنها را لازمه نجات و رستگاری ندانست، آن را برای ادیان دیگر نیز مفید می‌داند و می‌گوید:

غالباً چنین اختلافاتی، به عنوان عناصری در درون نظریات ما راجع به عالم، در واقع از اهمیت فلسفی عظیمی برخوردارند، اما از اهمیت دینی، یعنی نجات و رستگاری‌شناسی عمده‌ای برخوردار نیستند، به این دلیل که گروه‌های مختلف می‌توانند به یک عده نظریات ناموافق و ناسازگاری که همه آنها چارچوبی عقلانی برای پیشرفت و تکامل فرآیند نجات و آزادی روحی را به دست می‌دهند معتقد باشند. بدین ترتیب یک نفر مسیحی و یک نفر بودایی، چنان‌چه هر دو به پذیرش دیدگاهی پلورالیستی رضایت دهند می‌توانند در کمال صلح و آرامش در نظریات مذهبی خویش و در حالات و شیوه‌های تجربی که این نظریات فراهم می‌سازند اختلاف نظر داشته باشند. (هیگ، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۷)

مهمترین مشکلی که پلورالیسم با آن روبرو است عدم پذیرش توسط متدینان به ادیان مختلف است. ادیان مختلف^۹ هیچ‌گاه تلاش‌هایی را که این نظریه برای نزدیک ساختن مبانی نظری ادیان به یکدیگر انجام می‌دهد نپذیرفته‌اند و این نظریه زمانی به موفقیت کامل می‌رسد که ادیان نظریات همگرایانه آن را قبول کنند. مشکل دیگری که این نظریه را با چالش روبرو کرده است، دشواری پذیرش حقیقتی چنان ذوابعاد و چنان قابل تعبیر به بیان‌های مختلف که هم تثلیث، هم توحید، هم تشخص و هم عدم تشخص است. (ن.ک: (لگنهاوزن، ۱۳۷۹، ص ص ۴۶-۹۴)؛ (پترسون، و غیره، ۱۳۷۶، ص ص ۴۰۹-۴۱۴))

اخلاق جهانی

برای رهایی از ایرادات مذکور بوده است که عده‌ای دیگر از منظر اخلاقی و وظیفه‌شناختی به مسئله تکثر ادیان نگریسته‌اند. مدعیان رویکرد اخلاقی به همگرایی ادیان در اعلامیه پارلمان ادیان به نام «اخلاق جهانی» بر این تأکید کرده‌اند که این اعلامیه به دلیل ناامیدی انسانیت از اتحاد ایدئولوژی‌ها، ارائه شده است و در پی مطرح کردن یک ایدئولوژی و یا یک دین جهانی وحدت یافته در ورای همه ادیان موجود یا ترکیبی از تمام ادیان نیست. ایشان مدعی‌اند که هدف آنها تنها برجسته سازی مشترکات اخلاقی ادیان است؛ (See: Küng, et al., 1993 p. 7)

هانس کونگ، اندیشمند سنت‌شکن مسیحی، با جمع‌آوری جمعی از رهبران ادیان جهان، در بیانیه‌ای جهانی تلاش کرده‌است تمام مولفه‌های مشترک میان ادیان بزرگ جهان را به منظور برجسته‌سازی آنها و دستیابی به اتحاد بیشتر متدینان به ادیان ارائه کند.

در متنی که از طرف ایشان به عنوان بیانیه اخلاق جهانی منتشر شده است ابتدا نکاتی چند در باب ضرورت توجه به اخلاق در نظام جدید جهانی آمده است و سپس بر اموری از جمله معنویت،

^۹. شاید بتوان از این مجموعه ادیان، هندویسم را استثنا کرد که اساساً پلورالیستی است.

حقیقت غایی^{۱۰}، عبادت^{۱۱}، تمرکز^{۱۲} و نکات اخلاقی مهمی از جمله توجه به محدودیت‌ها و خطاهای انسانی تأکید شده است. پس از این مقدمه چهار اصل کلی به ترتیب زیر مورد توافق قرار گرفته است:

تعهد به فرهنگ خشونت‌گریزی و احترام به زندگی^{۱۳}

تعهد به فرهنگ یکپارچگی و نظام عادلانه اقتصادی^{۱۴}

تعهد به فرهنگ تسامح و زندگی توأم با صداقت^{۱۵}

تعهد به فرهنگ حقوق یکسان و مشارکت زنان و مردان^{۱۶} (Editorial Committee, 1993 pp.

4-5)

با همین رویکرد اما با توجه کمتری به دین، سویدلر^{۱۷} نیز بیانیه‌ای در باب اخلاق جهانی تدوین کرده است. مبنای‌ترین آموزه در تدوین این بیانیه - همان‌گونه که هانس کونگ نیز مورد اشاره قرار داده بود- دستور طلایی اخلاق یعنی جمله معروف «آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند» است. او پس از بیان مبانی متعددی که بسیاری از آن برگرفته از مبانی پلورالیسم و لیبرالیسم است، به ده اصل کلی اخلاقی از جمله درباره اعتقادات و دین افراد، حق بیان افراد، روابط زن و مرد، حق کار، حقوق بچه‌ها و آموزش اشاره می‌کند. (Swidler, 2010)

درحقیقت هر دو بیانیه با دقت بسیار تمام نکات مشترک ادیان را جمع‌آوری کرده‌اند و تا حدی در ارائه تصویر واحدی از نظام اخلاقی ادیان موفق بوده‌اند. براین اساس و با توجه به متأخر بودنشان از روش و مفاهیم تمام نظریات دیگر نیز استفاده کرده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد این رویکرد در میان دیگر رویکردها از بخت بیشتری برای نیل به هدف کاستن از تشتت و تنش میان پیروان ادیان، برخوردار است؛ اما به‌رحال این اندیشه نیز با مشکلاتی مواجه است. عدم مبانی مشترک ادیان اصول

¹⁰ . Ultimate Reality

¹¹ . Prayer

¹² . Meditation

¹³ . Commitment to a culture of non-violence and respect for life

¹⁴ . Commitment to a culture of solidarity and a just economic order

¹⁵ . Commitment to a culture of tolerance and a life of truthfulness

¹⁶ . Commitment to a culture of equal rights and partnership between men and women

¹⁷ . Swidler, Leonard.

مطرح در بیانیه اخلاق جهانی را به نمایشی ظاهری و بی‌پایه از مشترکات اخلاقی ادیان جهان تبدیل کرده‌است. در حقیقت مخاطب این بیانیه به تبعیت از این اصول توصیه می‌شود، اما تنها به این دلیل که این اصل در ادیان دیگری که او هیچ‌گاه آنها را نپذیرفته، مشترک است. (ن.ک:قراملکی، ۱۳۸۳ ص.ص ۷۵)

علاوه بر این، اصول مذکور در اخلاق جهانی واقعاً اصلی‌ترین اصول اخلاقی ادیان را جمع‌آوری نکرده است، بلکه به مشترک‌های ادیان اکتفا کرده است و وجوهی که به طور کامل مورد اشتراک نیستند، هرچند اهمیت بالایی در یک دین داشته باشد، جایگاه مناسبی در اصول مشترک اخلاقی نیافته است. مثلاً اهمیت اثباتی توحید و اهمیت سلبی شرک در رأس اولویت‌بندی اسلام قرار دارد اما به دلیل عدم اشتراک با تمام ادیان دیگر، دارای جایگاه مناسبی در این بیانیه نیست.

البته برخی نسبت میان اخلاق و دین را به گونه‌ی دیگری بیان کرده‌اند. ایشان معتقدند: آن‌چه برای جهانی بودن اخلاق، مورد نیاز است، مطلق‌انگاری حدّآقلی است و آن، عبارت است از اعتبار جماعت، علی‌رغم تفاوت‌های فردی، قومی و فرهنگی. همه‌ی انسان‌ها رعایت حق آزادی را یک وظیفه‌ی اخلاقی می‌انگارند. این انگاره، لزوماً بر نظریه‌های طبیعت‌گرایانه، مبتنی نیست، اما موجه بودن آن، به ملاک نهایی اخلاق، استوار است. ملاک نهایی اخلاق - بنا به تعریف - امر نامشروط مبتنی بر حقیقت‌غایی است، به معنایی که تیلیخ آن را در پویایی ایمان می‌یافت و این، مطلق‌انگاری حدّآقلی را تأمین می‌کند. حُسن و قُبْح، نه به ذات افعال، بلکه به ساختار انسانی انسان‌ها برمی‌گردد. نیاز اخلاق جهانی به دین، در ابتناء آن به چنین ملاکی است و به این ترتیب، مناسبت اخلاق جهانی و ادیان، از نظریه‌ی «ضمانت دینی اخلاق» فراتر می‌رود. (قراملکی، ۱۳۸۲ ص. ۸۵)

به هر حال روشن است که پلورالیزم دینی، از مهم‌ترین مبانی کلامی در اخلاق جهانی است. بیانیه‌های اخلاقی، بر این‌که اخذ اخلاق از ادیان، از توقّعات طبیعی ما از ادیان است و ادیان، در برآورده ساختن آن، کارآمد هستند و نیز بر نظریه‌ی گوهرگرایانه‌ای در پلورالیزم دینی، استوار هستند. (ن.ک: (Ruland, 2002 p. 116) به نقل از (قراملکی، ۱۳۸۲ ص. ۸۶))

تحلیل و تکمیل

رویکردهای مختلف به همگرایی ادیان در موقعیت‌های اجتماعی متناسب با خود شکل گرفته است و می‌توان مدعی شد که هر کدام پاسخی به نیاز نظریه‌پرداز و جامعه‌مورد توجه وی بوده است.

از این رو نقد و بررسی رویکردهای مختلفی که در جهت همگرایی ادیان وجود دارد به معنی نادیده گرفتن تلاش‌های قابل تقدیر صورت گرفته در هر رویکرد نیست. اما به هر حال دقت نظر در اندیشه‌های بشری عامل ارتقای سطح اندیشه انسان می‌شود.

تمامی تلاش‌ها در جهت همگرایی ادیان متمرکز بر ارائه محور یا محورهایی به عنوان وجه مشترک باورها، اعتقادات و یا اصول اخلاقی مخاطبان خودند. رویکردهای استراتژیک که بیشتر در حوزه رفتارها و عواطف اجتماعی متمرکزند، با برجسته‌سازی آموزه‌های اصلی مشترک میان ادیان و مذاهب، رویکردهای وجودشناسانه و معرفت‌شناسانه با توسعه در مفاهیم غایی ادیان و اتحادبخشی به آنها و رویکردهای اخلاقی با ارائه اصول مشترک اخلاقی میان ادیان، به تأسیس این محور اتحاد و همگرایی حول آن اقدام می‌کنند. مثلاً وجود خداوند محور ارتباط و اتحاد با تمام ادیان قرار می‌گیرد که پروردگاری عالم، قادر و خالق برای جهان قبول دارند. در این رابطه این نکته مطرح است که هر قدر اشتراک مبانی بیشتر باشد، امکان همگرایی بیشتر و هر قدر این اشتراک کمتر، امکان همگرایی نیز کمتر می‌شود. از این رو بهره‌گیری از مبانی اعتقادی مشترک در تقریب مذاهب، و سپس در ادیان با هسته مشترک، کارآمدتر و به‌کارگیری این مبنا در ادیان دور از یکدیگر مانند مسیحیت و بودیسم بسیار دشوار یا ناممکن است.

این روش با وجود فواید بسیاری که دارا است دائماً از نبود وجوه مشترکی مناسب، دچار مشکل بوده است و در واقع چالش اصلی این نظریات یافتن مشترکات قابل قبول اطراف درگیر در هر نظریه می‌باشد. هر قدر محور مشترک مفروض در این نظریات فراگیرتر شود ابهام آن بیشتر و پذیرش از طرف ادیان اصلی کمتر می‌شود و عده‌ای نیز که در محور معین شده اشتراک ندارند و یا به طور کلی نسبت به باورهای دینی بی‌اعتقادند از حوزه شمول همگرایی خارج می‌مانند.

برای حل این مشکل ارائه مبناهایی کاملاً عملی و بدون دخالت معیاری اعتقادی برای جمع کردن حول محوری واحد از نیازهای جدی بحث همگرایی است. مقصود از مبنا عملی، مبنایی است که بدون نیاز به وجه مشترک نظری، براساس اصول عقل عملی پایه‌ریزی شده باشد. برای دستیابی به معیاری که بدون نیاز به اشتراک اعتقادی، افراد را تنها بر اساس انتخاب‌هایشان نسبت به هر آنچه معتقدند گردهم آورد باید عملی را که در هر پیش‌فرض اعتقادی ملزم به رعایت آن هستیم، کشف کنیم. بدون بیان مقدمات رسیدن به این مبنا که مجال دیگری را می‌طلبد، آنچه از طرف نگارنده

پیشنهاد می‌شود معیار «حق محوری»، «نفی تمام هواها، خودخواهی‌ها و اطاعت محض از حق» و «تسلیم بودن در برابر حقیقت» است. این معیار در حقیقت، بی‌نیاز از یافتن وجه مشترک اعتقادی، مهمترین و مبنایی‌ترین معیار عملی در هم‌گرا کردن افراد از گروه‌های اعتقادی مختلف است. براساس این معیار، تبعیت صادقانه و جدی از تمام حقایق وجودی، معرفت‌شناختی و اخلاقی که هرکس در نظام صادقانه و بی‌تعصب معرفتی خود که حاصل معارف فطری و وحیانی و دریافت‌های خالی از هوس استدلالی، تجربی و اجتماعی وی است، توصیه می‌شود و روش‌های آموزشی و تبلیغی در تقویت حق محوری افراد به کار گرفته می‌شود.

مبنایی که تلاش شده در این مقاله پیش‌نهاد شود از مشکل یافتن وجه‌مشترک نظری می‌گذرد و نیازی به محدود ساختن محدوده همگرایی یا گسترش دادن مفاهیم نظری مورد قبول ادیان ندارد و علاوه بر این دارای بار ارزشی است و راهی است که همگرایی را در جهت تجمیع خوبان ارائه کند نه تجمیع همگان. در واقع بر اساس این مبنا همگرایی تنها در میان کسانی اتفاق می‌افتد که نه دارای وجه مشترک نظری بلکه دارای وجه مشترک عملی هستند؛ کسانی که حق محوری را مبنای عمل خود قرار داده‌اند.

نظریه ارائه شده در اینجا برای همگرایی ادیان راه حلی مطرح می‌کند که صرفاً عملی و ارادی است و تمام پیش‌فرض‌های نظری ممکن در شرایط فعلی جهانی را شامل می‌شود. این نظریه حتی پیش‌فرض‌های اعتقادی غیردینی را که صادقانه در اذهان بشر پدید می‌آید در حوزه همگرایی خود وارد می‌کند.

این مبنا در ضمن برخی نظریات عرفانی و نیز پلورالیستی مورد اشاره قرار گرفته است اما آنچه در اینجا پیشنهاد شده نظریه‌ای یکسره مبتنی بر اصل تبعیت از حق، است. در این مبنا همگرایی نکات منحصر به فرد زیر قابل توجه است:

۱. این معیار وابسته به هیچ اصل نظری یا اعتقادی نیست و هر شخص یا گروه را به داشته‌های نظری و عملی درونی و غایی خود ارجاع می‌دهد و به طور مستقیم نقش تعیین کننده‌ای برای باور ندارد.

۲. «تسلیم بودن در برابر حقیقت» عبارت دیگر عمل به عمیق‌ترین دانسته‌هاست که در حوزه نظری و عملی عبارت است از تبعیت عملی از بایدها و نبایدهایی که می‌داند و

پذیرفتن نظری نسبت به هستی تا آنجا که از آن شناخت دارد. از این رو از حیث وظیفه شناختی تکلیفی غیر از این قابل انتظار نیست و در صورتی که شخصی این مبنا را رعایت کند قطعاً وظیفه خود را از هر حیث به انجام رسانده است.

۳. هرچند این معیار به طور مستقیم در باورها و اعتقادات مخاطب تأثیری ندارد؛ اما اولاً یکی از حقایقی که هر شخص درک می‌کند لزوم تلاش برای کسب معرفت است و ثانیاً با توجه به اینکه جدیدیت در عمل به معلومات، مساوی با عمل به تکالیف و وظایف است، هدایت و معرفت صحیح را بیش‌ازپیش برای وی در پی خواهد آورد. بنابراین هر چند این معیار، عملی است نه نظری اما عمل مطابق آن، به طور غیرمستقیم اصلاح معارف نظری را نیز نتیجه خواهد داد. توضیح و تبیین این نکته مجال دیگری برای استدلال به آیات، روایات و مباحث فلسفی و معرفت‌شناختی می‌طلبد.

۴. اتخاذ مبنا «حق محوری» مشکک و دارای مراتب است و با تقویت شناخت انسان نسبت به حقایق عمیق‌تر و دقیق‌تر، خود عمق بیشتری می‌یابد و سپس نتایج وسیع‌تری بر آن مترتب می‌شود. اتخاذ این مبنا از طرف انسانی که تنها شناخت بالفعل وی، شناختی مبهم از برخی وظایف کلی در قبال دیگران است، در مقایسه با اتخاذ آن از طرف کسی که با توجه به شناختش از صفات خداوند و آشنایی‌اش با حکمت‌های بیان‌شده از طرف انبیاء الهی، معرفتی بسیار عمیق‌تر از حقایق عالم دارد، نتایج بسیار متفاوتی از حیث مراتب ارزشی خواهد داشت.

۵. با توجه به نکته پیشین کارکرد این مبنا در اعتقادات و جهان‌بینی‌های گوناگون، متفاوت است و هر قدر دین یا اعتقاد مورد خطاب این مبنا به حقیقت نزدیک‌تر، کارکرد این مبنا عمیق‌تر و همگرایی حاصل از آن متعالی‌تر خواهد بود.

۶. در صورت پذیرش این مبنا، همگرایی افرادی که متناسب با دانسته‌های خود، مطابق وظیفه خود عمل می‌کنند و از این رو می‌توان ایشان را خوبان عالم دانست، در ادیان و عقاید مختلف قابل انتظار است.

۷. حکمت‌های عام بشری مانند توجه به بی‌ارزشی دنیا، گذران بودن زندگی، ناتوانی انسان و خیرخواهی برای دیگران، که از پذیرشی عام در تمام فرهنگ‌ها و عقاید برخوردارند، می‌توانند جایگاه مهمی در این مبنا پیدا کنند.

۸. این مبنا مطابق با آموزه‌های قرآنی است؛ تسلیم در برابر خدا مهمترین دعوت قرآن است و مفهوم خدا در بعد نظری یعنی حقیقت تمام عالم و در بعد عملی یعنی منشأ تمام خوبی‌ها و ارزش‌های اخلاقی. بنابراین تسلیم شدن در برابر حقیقت مهمترین دعوت قرآن برای گستره‌ای وسیع است که شامل غیر معتقدان به خدا نیز می‌شود. از آنجا که قرآنی بودن این بحث به مقدمات بسیاری نیازمند است، تفصیل آن به مجال دیگر واگذار می‌شود.

نتیجه

نظریات مطرح در باب همگرایی و کاستن از گوناگونی ادیان به شناسایی وجوه اشتراک میان ادیان، نیازمند است؛ یافتن چنین مبانی مشترکی در مواجهه با آموزه‌های متباین ادیان به مشکل برمی‌خورد و از طرف دیگر گستره وسیع جامعه بی‌دینان که به هیچ‌یک از ادیان رسمی و سنتی جهان معتقد نیستند خارج از دایره شمول آن نظریات قرار می‌گیرد. بنابراین ارائه راهکاری کاملاً عملی و ارادی که قابلیت تعامل با تمام مبانی اعتقادی را داشته باشد مورد نیاز جامعه کنونی بشر است. توجه و تمرکز بر مبانی عملی و ارادی «تسلیم شدن در برابر حقیقت» می‌تواند این کاستی را در میان نظریات موجود در زمینه همگرایی ادیان جبران کند. تقویت روحیه «تسلیم بودن در برابر حقیقت» یا «حق محوری» به عنوان مبنایی برای همگرایی قابل طرح است که مستقل از مبانی نظری افراد و گروه‌های دینی می‌تواند در این جهت مؤثر واقع شود. عمل به این مبنا که در حقیقت تأکید بر عمل مطابق عمیق‌ترین وظیفه الهی و عقلی هر شخص است، ضمن اینکه به اصلاح معرفت نیز می‌انجامد، متناسب با معارف دینی و معنوی هر شخص قابل بازتعریف است. کاربرد این مبنا در تغییر شیوه‌های تبلیغ، آموزش و تربیت عام دینی ظاهر می‌شود و جزئیات آن به بحث دیگری نیازمند است.

منابع

* قرآن کریم.

- اصلان ، عدنان (۱۳۸۵). *پلورالیسم دینی [کتاب]*. تهران : نقش جهان
- ایوب ، محمود (۱۳۸۷). قرآن و همزیستی ایمانی ادیان [نشریه] // *فصلنامه پژوهشی اقوام و مذاهب*، تدوین مترجم: مرادی مجید. ، (ششم)
- پترسون ، مایکل [و غیره] (۱۳۷۶). *عقل و اعتقاد دینی (درآمدی بر فلسفه دین) [کتاب]* / مترجم نراقی احمد و سلطانی ابراهیم، تهران : طرح نو.
- تسخیری، محمد علی. (۱۳۸۴). *ایده هایی درباره استراتژی تقریب [نشریه] // اندیشه تقریب*. (۲) ص ص. ۹-۲۶.
- حاجی اسماعیل، محمد رضا. (۱۳۸۸). *نگرش قرآن بر همگرایی ادیان در جامعه جهانی [نشریه] // الاهیات اجتماعی*، (۲) ص ص. ۱۳۱-۱۵۶.
- خامه گر ، محمد (۱۳۸۸). پژوهش های موضوعی: روش استنباط گزاره های علمی از ساختار سوره ها [نشریه] // *پژوهشهای قرآنی*، (۵۷)، ص ص. ۱۱۰-۱۴۱.
- قراملکی احد، فرامرز (۱۳۸۳). *به سوی اخلاق جهانی [نشریه] // کتاب نقد*، (۳۰) .
- قراملکی احد، فرامرز (۱۳۸۲). *تاملی در اخلاق جهانی با تاکید بر بیانیه های سویدلر و هانس کونگ [نشریه] // نامه حکمت*، (۱)، ص ص. ۸۰-۸۸.
- کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۴). *دیدگاه اسلام درباره همزیستی مسالمت آمیز [نشریه] // پژوهشهای مدیریت راهبردی*، (۳۵)، ص ص. ۱۲۰-۱۴۰.
- گلین ، ریچارد (۱۳۸۰). *به سوی الهیات ناظر به همه ادیان [کتاب]* ، مترجم گندمی نصرآبادی رضا و مفتاح احمد رضا. - قم : مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- لگنهاوزن ، محمد (۱۳۷۹). *اسلام و کثرت گرایی دینی [کتاب]* ، مترجم جواندل نرجس، قم : موسسه فرهنگی طه.
- محمدالطیب، احمد. (۲۰۱۲). *تعارف الحضارات من المنظور الاسلامی [نشریه] // الاسلام الیوم* ، الرباط_المملکة العربیة : مطبعة الایسیسکو، ۲۸.
- هیگ ، جان (۱۳۸۶). *مباحث پلورالیسم دینی [کتاب]* ، مترجم گواهی عبدالرحیم.، تهران : نشر علم

References

- Aydin Mahmut Modern Western Christian Theological Understandings of Muslims Since the Second Vatican Council [Book] = Cultural heritage and contemporary change: Islam / ed. F.Mclean General Editor: Geprge. - Washington : CRVP, 2002.
- Editorial Committee of the Parliament of the World's Religions Declaration Toward a Global Ethic [Conference]. - New York : Continuum Publishing, 1993.
- Küng Hans and Kuschel Karl-Josef Global Ethic: The Declaration of the Parliament of the World's Religions [Book]. - [s.l.] : Continuum International Publishing Group, 1993.
- Pope Paul VI NOSTRA AETATE [Online] // Vatican. - October 28, 1965. - 7 2014, 18. - http://www.vatican.va/archive/hist_councils/ii_vatican_council/documents/vat-ii_decl_19651028_nostra-aetate_en.html.
- Ruland Vernon Conscience across Borders: An Ethics of Global Rights and Religion [Book]. - [s.l.] : University of San Francisco, 2002.
- Swidler Leonard GLOBAL DIALOGUE AND GLOBAL ETHIC [Online] // Global Ethic. - Center for Global Ethics, 2010 . - 2014. - http://gloablethic.org/Center/swdag_an.htm.
- UIR The United Religions Initiative Charter [Online] // United Religions Initiative. - 6 10, 2014. - short version. - http://www.uri.org/files/resource_files/URI_Charter_Farsi.pdf.